

ما آنان را می‌کشیم، چرا؟

پاهای پوینده تو با آن قلب پر تپش و مضطرب، چگونه پیش رفتند؟ آن دستان نازک و سرخ‌ورده پاییز در کدام طبقه، دست دستگیره‌ها را گرفت تا تلو نخورد؟ کاش به ما می‌گفتید پسرک نجیب‌تر از شقایق در پوست چهارده‌سالگی! در آن لحظات پر هول و هراس، ذهن زیبای شما را کدام اتفاق، تاریخ کرده بود که این سان ما بزرگ‌ترها را شرم‌منده و معوم کردید؟

حالم همین دیروزها با خواندن خبر خودمرگ‌گزینی پسرک ۱۴ ساله‌ای از قراز یک ساختمان تجاری در مشهد، حسایی بی‌امید و فردا شد، آیا جدایی پدر و مادر، او را تا انتهای یاس برد؟ نمی‌دانم، همان‌گونه که خودکشی پسرک ۱۲ ساله‌ای در سعادت‌آباد تهران در شنبه بیست‌ودوم همین آذر با اسلحه کمری و در برابر دوربین، موجب بهت و اندوه عمیق من شد. آیا او هم تاب تلخ کلمی جدایی پدر و مادرش را از دست داده بود که جهان را برای آن دو به‌جا گذاشت؟ نمی‌دانم، واقعا نمی‌دانم چشمانی که به امید زندگی به دنیا می‌آید، چرا باید دنیا را ندیده، خودخواسته آن را ترک کند؟

از من و ما چه بدی دیدید کودکان عزیز تر از نفس که پشت‌پا به ای‌د و گوشی، پیتر، به چرخ‌فلک، به پفک، به چیپس و ماست، به دوچرخه‌سواری، به دویدن یا زدن پانتهی به دروازه‌بان هم‌محل‌های و حتی مدرسه مجازی زدید؟ نکند بیش از این‌هایی که نام بردم، چیزهایی هست که مامی‌دانیم؟

راست این است که وقتی کودکی و نوجوانی و نوز جوانی، خود را از زنده‌بودن حذف می‌کند، در حقیقت ما بزرگ‌ترها و از زندگی کردن محروم کرده‌ایم؛ چون هیچ کودکی با غریزه خود کشتی به‌دنیا نمی‌آید. او از ما چرایی و چگونگی خودکشی را می‌آموزد. به عبارت دیگر وقتی بر تمایز خوب با بد و زشت با زیبا و نیز بر ضرورت وجود همه‌زمانی آسایش یا آرامش در جامعه تاکید می‌کنیم و او به تدریج به اهمیت آن دست‌کم در مناسبات خانوادگی پی می‌برد، باید اعتراف کنیم که مقصر ماییم، وقتی ما بزرگ‌ترهای و الا المقام» (از منظر جایگاه حقوقی و اجتماعی، مثل وکیل، و وزیر، استاد دانشگاه، دکتر، پزشک و مهندس و نظایر آن) یا بزرگ‌ترهای کم‌مقام، آسایش را در داشتن زیستی در خور و بایسته مثل خانه و اتومبیل و خرید بی‌دغدغه مواد غذایی، پوشاک و سیروسفر و چیزهایی از این دست می‌دانیم که چنین رواست و سپس آرامش را در حداقل اختیاراتی چون آزادی انتخاب و بیان در هر زمینه و موضوع در چهار چوب



فریدون صدیقی

استاد روزنامه‌نگاری

قانون مطالبه می‌کنیم و اگر نباشد، زندگی گاه تا مرتبت زنده ماندن با دغدغه‌ها و اضطراب‌ها تنزل پیدا می‌کند و اگر چنین شد، آن‌گاه ما بزرگ‌ترها تلخ و پر خاشاک، عصبی و افسرده می‌شویم، ناخواسته بچه‌ها را در ترس و بی‌پناهی، به پرتگاه ناامیدی هدایت نمی‌کنیم؟ آیا انتظار تاوان ندانستگی و

نخواستن یا نتوانستن مسئولان و الامقام و ناتوانی و رنج‌جویی اولیای بی‌مقام، غیر از گمراهی بچه‌هاست؟ کسی آیامی‌داند دختر ۱۷ساله رامهرمزی در استان خوزستان، همین چهارشنبه پیش، چرا زنده بودن را رها کرد و خود را کشت؟ آیا آسایش نداشت یا انتهای یاس برد؟ نمی‌دانم، همان‌گونه که خودکشی پسرک ۱۲ ساله‌ای در سعادت‌آباد تهران در شنبه بیست‌ودوم همین آذر با اسلحه کمری و در برابر دوربین، موجب بهت و اندوه عمیق من شد. آیا او هم تاب تلخ کلمی جدایی پدر و مادرش را از دست داده بود که جهان را برای آن دو به‌جا گذاشت؟ نمی‌دانم، واقعا نمی‌دانم چشمانی که به امید

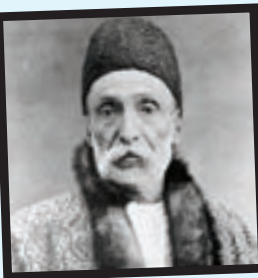
زندگی به دنیا می‌آید، چرا باید دنیا را ندیده، خودخواسته آن را ترک کند؟ از من و ما چه بدی دیدید کودکان عزیز تر از نفس که پشت‌پا به ای‌د و گوشی، پیتر، به چرخ‌فلک، به پفک، به چیپس و ماست، به دوچرخه‌سواری، به دویدن یا زدن پانتهی به دروازه‌بان هم‌محل‌های و حتی مدرسه مجازی زدید؟ نکند بیش از این‌هایی که نام بردم، چیزهایی هست که مامی‌دانیم؟

راست این است که وقتی کودکی و نوجوانی و نوز جوانی، خود را از زنده‌بودن حذف می‌کند، در حقیقت ما بزرگ‌ترها و از زندگی کردن محروم کرده‌ایم؛ چون هیچ کودکی با غریزه خود کشتی به‌دنیا نمی‌آید. او از ما چرایی و چگونگی خودکشی را می‌آموزد. به عبارت دیگر وقتی بر تمایز خوب با بد و زشت با زیبا و نیز بر ضرورت وجود همه‌زمانی آسایش یا آرامش در جامعه تاکید می‌کنیم و او به تدریج به اهمیت آن دست‌کم در مناسبات خانوادگی پی می‌برد، باید اعتراف کنیم که مقصر ماییم، وقتی ما بزرگ‌ترهای و الا المقام» (از منظر جایگاه حقوقی و اجتماعی، مثل وکیل، و وزیر، استاد دانشگاه، دکتر، پزشک و مهندس و نظایر آن) یا بزرگ‌ترهای کم‌مقام، آسایش را در داشتن زیستی در خور و بایسته مثل خانه و اتومبیل و خرید بی‌دغدغه مواد غذایی، پوشاک و سیروسفر و چیزهایی از این دست

می‌دانیم که چنین رواست و سپس آرامش را در حداقل اختیاراتی چون آزادی انتخاب و بیان در هر زمینه و موضوع در چهار چوب

تاریخ‌نگار

آغاز نخست‌وزیری نظام‌السلطنه



رضا سلیمان نوری

محمدعلی‌شاه قاجار که از همان ابتدای شروع جنبش مشروطه، میانه خوبی با آن نداشت و از هر فرصتی برای ضربه زدن به این حرکت استفاده می‌کرد، هرگاه فشار مشروطه‌خواهان افزایش می‌یافت، با چند قدم عقب‌نشینی ظاهری، برای آرام کردن آنان و در نتیجه کنترل اوضاع تلاش می‌کرد. او در روزهای پایانی آذر سال ۱۲۸۶ خورشیدی نیز این سیاست را به‌کار

بست و پس از اخراج ناصرالملک از ایران، تصمیم گرفت یکی از رجال سلخورده و

باتجربه را به نخست‌وزیری برگزیند تا شاید بتواند مشکلاتی را که در طول یک سال سلطنتش با طرفداران مشروطه پیدا کرده بود، کمرنگ کند. او بر همین اساس به‌سرآغ حسینقلی خان نظام‌السلطنه‌مافی که مردی تقریباً ۸۰ساله و البته دارای صلابت‌رای و حسن‌تدبیر و کاردانی بود، رفت و حکم‌رئیس‌الوزرائی را به‌نام اوزد، محمدعلی‌شاه برای اینکه به‌مشروطه‌خواهان و در راس آن‌ها نمایندگان مجلس شورای ملی اطمینان دهد که این انتخاب، حرکتی برای محدود کردن آنان نیست و او قصد دخالت در وظایف رئیس‌الوزرا و در نتیجه زیر سوال بردن مشروطه را ندارد، در حاشیه فرمان رئیس‌الوزرائی به نظام‌السلطنه اعلام کرد که در انتخاب وزیران، آزاد و مخیر است. البته این حرکت باعث اطمینان کامل نظام‌السلطنه و متعاقب آن مجلسیان به‌شاه مستبد قاجار نشد و رئیس‌الوزرای جدید در نخستین اقدام، از محمدعلی‌شاه خواست تا برای اطمینان یافتن خودش بر مردمنمایندگان مجلس شورای ملی به‌مشروطه‌خواهی شاه، پشت‌قرانی مهر و امضا کند و سوگند وفاداری به مشروطیت حکومت قانون را تجدید کند. نظام‌السلطنه به‌شاه قاجار گفت که تنها بدین وسیله می‌تواند جلوی تحریک‌های نمایندگان تندرو را بگیرد. البته نمایندگان هم برای سازش با ششمین شاه قاجار علاوه بر این قسم‌نامه، پنج شرط عزل سعدالدوله، مجازات افراد بدخواه، تخصیص ۳۰۰ سرباز برای مجلس، تلفیق تیپ قزاق و گارد شخصی شاه زیر نظر وزارت جنگ و اشتغال امیر بهادر فقط در گارد شاه و دخالت نکردن او در امور دیگر ا‌مطرخ کردند که محمدعلی‌شاه با توجه به شرایط زمانی و تاکید نظام‌السلطنه، این شرط را هم پذیرفت. پس از این بود که نمایندگان مجلس شورای ملی اجازه حضور رئیس‌الوزرای جدید در مجلس را دادند و او اوایل دی ۱۲۸۶ با وزیران خود به مجلس رفت. نخست‌قران، مهر و امضا شده از طرف شاه را به رئیس مجلس داد و پس از قرائت سوگند شاه و نمایندگان به کابینه نظام‌السلطنه رای داده شدو خود او وزارت مالیه را نیز بر عهده گرفت.

زین‌قادر

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

هر روز یک نکته ویرایشی

نشانه‌های تکی مانند: نقطه، ویرگول، نقطه ویرگول، پرسشی، تعجب و دو نقطه به کلمه پیش از خود وابسته هستند و بدون فاصله با آخرین کلمه پیش از خود نوشته می‌شوند و با کلمه پس از خود یک فاصله می‌گیرند.

اگر درس می‌خواندم ، قبول می‌شدم. ✖

اگر درس می‌خواندم ،قبول می‌شدم. ✖

اگر درس می‌خواندم، قبول می‌شدم. ✔

#زین‌قندپارسی

حدیث روز

آن که توانا تر است آسان تر می‌پیشد.

(امام علی‌ع)

☁️ ۶۹٪ رطوبت هوا	↓↑ -۱° ۱۱°
🕒 صبح ۱° ظهر ۷°	🕒 نیمه شب ۲۲:۴۵ اذان صبح فردا ۵:۰۹
🕒 عصر ۵° شب ۲°	🕒 اذان ظهر ۱۱:۳۰ غروب آفتاب ۱۶:۱۹ اذان مغرب ۱۶:۴۰
📅 ۲۲:۴۵ نیمه شب شرعی	📅 ۵:۰۹ اذان صبح فردا

📰 روزنامه شهر امید و زندگی SHAHRARANEWS.IR	۱۰۰۰ ۹۹ صفحه ۸۱صفحه ۴۴صفحه ۳۲ روزنامه شهرپاژ ۱۶ صفحه شهرارامحله شماره ۳۲۸۰ ۱۰۰۰ تومان
📱 میتوان نامه اخلاق حرفه‌ای Photoshahr.ir	📱 ۱۰۰۰ ۹۹ صفحه ۸۱صفحه ۴۴صفحه ۳۲ روزنامه شهرپاژ ۱۶ صفحه شهرارامحله شماره ۳۲۸۰ ۱۰۰۰ تومان

اهمیت «دست» در بازی پا

خطای هند «مهدی شیری» در بازی فینال لیگ قهرمانان آسیا، موجی از اهانت تا حمایت را برای او دریی آورد

محمدناصر حق‌خواه

روایت روز

حدود یک ماه پیش بود که نام و تصویر «مهدی شیری» در پست و استوری بازیکنان پرسپولیس و پس از آن در صفحه‌های هواداری در سطح گسترده‌ای منتشر شد و قلب‌های قرمز و جملات حمایتی، او را برای ۲۴ ساعت به مرد اول تایم‌لاین اینستاگرام پرسپولیسی‌ها تبدیل کرد. دلیل این حرکت حمایتی هم دعوت شدن جنجالی و پر حاشیه مهدی شیریی به تیم ملی بود، در حالی که بازیکنانی مثل «وریا غفوری» و «ارامین رضاییان» در این فهرست نبودند و بازیکنان و هواداران پرسپولیس می‌خواستند از این طریق به شیریی روحیه بدهند. سه ماه پیش از آن روزها هم حرکات موزون و مفرح مهدی شیریی پس از چهارمین قهرمانی پرسپولیس، آغاز شده بود که فیلم حرکات و دیالوگ‌های خنده‌دارش را در صفحه‌های اینستاگرامی پخش کرده بود. اما شاید مهدی شیریی هیچ‌وقت فکرش را نمی‌کرد چند ماه پس از آن روزهای خوش حمایت هواداران و بازیکنان، درست یک روز پس از فینال مهم آسیا، سخت‌ترین روزهای عمرش را بگذراند؛ چه در واقعیت و چه در دنیای مجازی.

دستی که بی‌موقع باز شد

باختن پرسپولیس در فینال، آن‌هم با دو پونالتی که با وی ای‌آر گرفته شد، هیز می‌روی آتش خشم پرسپولیسی‌ها گذاشت که خطای بیجا و بی‌جگانه‌هند(دست) مهدی شیریی آن را داغ‌تر کرد. برای کسانی که آشنایی کمی با شبکه‌های اجتماعی ایرانی و کاربرانش داشتند، کاملاً معلوم بود که پس از این اتفاق و در صورت باخت پرسپولیس، اوضاع برای مهدی شیریی خیلی سخت خواهد شد. این موضوع آن قدر در نظر همه واضح بود که از برنامه فوتبال برتر شبکه ۳ با حضور پروین و با اجرای محمدحسین میثاقی و محمدرضا احمدی تا برنامه‌هایی که در پلت‌فرم‌های اینترنتی پخش می‌شدند و در آن مهمانانی مثل علی کریمی و مهرداد میناوند روبه‌روی خداداد عزیزی نشستند بودند، همه یک‌صدا با تذکر این نکته که این یک اشتباه ناخواسته بود و روشن شد. مراسمی که با حضور تماشاگران باید خود را کنترل کنند و همه چیز روی سر مهدی شیریی خراب نشود، ذهن‌ها را آماده می‌کردند. آمادگی‌ای که البته انگار خودشان هم باوری

تار و مار «تارا»

مراسم رونمایی از تولید جدید ایران خودرو، واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی پدید آورد

شده است که نشان می‌دهد چراغ سمت چپ خودرو روشن نشده است که به گفته خود خبرگزاری، ایران خودرو در این‌باره توضیحی نداده است.

۸۰۰ میلیون؟ مگه بنزه؟

از همان زمان که صحبت از تولید و ساخت محصول جدید ایران خودرو به میان آمد، واکنش‌هایی در فضای مجازی به راه افتاد. واکنش‌هایی که طیف گسترده‌ای داشت. عده‌ای به نام انتخابی این ماشین نوشته بودند: «ایران خودرو محصول جدید داده به نام تارا. کاری با این ندارم که همه‌شون یک ماشینن و فقط بیافه‌شون عوض می‌شه ولی خیلی دوست دارم بدونم این نام‌گذاری‌ها براساس چی انجام می‌شه؟» و کاربر دیگری، حالا که چنین اتفاقی در روز معرفی رسمی آن افتاده است، گفته بود: «اسمش رو هم لابد از تار و مار گرفته.» عده‌ای دیگر فنی‌تر به ماجرا نگاه کرده و از این گفته بودند که تارا یکی دیگر از همان ماشین‌های قبلی است که فقط سروشکشل کمی تغییر کرده است: «چراغ عقب سمند رو عوض کردن، اسمش رو گذاشتن تارا.» و عده‌ای دیگر از قیمت آن گلایه کرده بودند که سر به آسمان گذاشته است. کاربری نوشته بود: «می‌گن قیمتش حدود ۷۰ تا ۸۰ میلیون، با این اوضاع مالی و اقتصادی، مگه می‌تونیم خریم؟» کاربر دیگری هم به این قیمت‌گذاری طعنه زده و گفته بود: «۸۰۰ میلیون تو خارج بهت یک اسپورتیج ۲۰۲۱ می‌دن، با بقیه پولتم می‌تونی یک انترا بخری.» و دیگری مختصر و مفید نوشته بود: «چه خبره؟ مگه بنزه؟» انتقاده‌ها زیاد بود. انتقادهایی که تا به حال حرکت ایران خودرو و همچنین سایپا، فراوان با آن روبه‌رو بوده‌اند و همیشه بحث بر سر قیمت محصولات و کیفیت آن‌ها زیاد بوده است. لایه‌لای این واکنش‌ها، مهرداد صدقی، نویسنده‌ای که او را احتمالاً با کتاب‌های طنز شب به یاد می‌آورید، هم به این ویدئوی کوتاه، با همان زبان همیشگی‌اش واکنش نشان داد و در یک استوری در صفحه اینستاگرامش نوشت: «امروز محصول جدید ایران خودرو در مراسم رونمایی روشن نشد. احتمالاً نست ترمز بوده فقط.» بد نیست بدانید که این نام ایرانی به معنی ستاره یا تأیید فرهنگستان زبان و ادب پارسی انتخاب شده است و تولید انبوه آن در بهمن امسال آغاز می‌شود.



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ۱
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
- نمابر: ۳۷۲۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



وزیر راه و شهرسازی: قیمت مسکن حباب دارد.



محمد رضا میرشاه‌ولد

کیوسک

صفحه نخست «واشنگتن پست»

دونالد ترامپ و اقدامات او، موضوعی است که صفحه نخست این روزنامه آمریکایی را تشکیل داده‌است. اما انتقاد از اقدامات وی، در مواجهه با کووید۱۹ موضوعی است که هم در عکس یک هم‌درتیر اصلی واشنگتن پست دیده‌می‌شود. این نشریه در تیرتیر اصلی خود نوشته است: «چگونه اقدامات اشتباه ترامپ در همه‌گیری، منجر به زمستانی تاریک شد» و در ادامه از وضعیت بد انتشار کووید۱۹ در این کشور خبر داده و گفته‌است که کارشناسان، رهبری ترامپ را مقصر این واکنش ناکارآمدی دانند.

این آدم‌های سمی

غلامرضا بنی اسدی

«آدم‌های سمی»، عنوان جالبی به نظر می‌آید. بنده خدایی ذیل این عنوان از ضرورت «فاصله‌گذاری اجتماعی» با این افراد نوشته بود. دقت که می‌کنی در سیاهه چهار گروهی که شمار کرده بود، با او هم‌نظر می‌شوی که این قبیل افراد، قدرت سلامت‌سوزی‌شان به اندازه کووید ۱۹ است. همه ما در گذر زندگی با این قبیل افراد مواجه شده‌ایم. افرادی مانند قضات‌کننده‌ها؛ این دسته از آدم‌های سمی، کسانی هستند که همیشه در حال انتقاد از زمین‌وزمان هستند. آن‌ها از قضاوت کردن دیگران خسته نمی‌شوند، بماند که این کار را حق خود می‌دانند و برای این نوع رفتارشان، خود را از جامعه طلبکار هم می‌دانند. آن‌ها سعی می‌کنند دیگران را مقصر جلوه دهند و تصمیم‌هایشان را زیر سوال ببرند تا شاید توجه‌ها را به خود جلب کنند.

خبر چین‌ها؛ کسانی که مدام چشم هستند در زندگی دیگران و پشت سر بقیه حرف می‌زنند، شایعه درست می‌کنند یا حتی پرده از حریم خصوصی افراد بالا می‌زنند. رفتار انگلی اینان برای جامعه، مثل سم است که باید از آن پرهیز کرد. بهانه‌گیرها؛ کسانی که مدام بهانه‌تراشی می‌کنند و تقصیرها را گردن این و آن می‌اندازند. آن‌ها هیچ‌وقت مسئولیت شکست کارهایشان را قبول نمی‌کنند و همیشه انگشت اتهام را به سوی دیگران می‌گیرند. اما اگر موفقیتی حاصل شود، به‌تمامی از آن خود می‌دانند.

کنترل‌گرها؛ آن‌ها هیچ‌وقت به حرف دیگران اهمیت نمی‌دهند، زیرا د چار این توهمند که خودشان همه چیز را به‌درستی می‌دانند و برای هر مشکلی، راه‌حلی عالی دارند. این چهار گروه سمی را باید جدی گرفت و با فاصله‌گذاری اجتماعی از آسیب‌های آنان مصون ماند. همین!

مجله عصر شکر هجده شصت

برای خواندن مجله

عصر شهر آرا

شکرا اسکن کنید

